



بررسی دلایل گذرا بودن چالش های اقتصادی کشور

چرا باید به آینده امیدوار بود؟



سرمقاله

منسجم و هدفمند است. هسته مرکزی این سیاست، هدایت هوشمند اعتبار است؛ به این معنا که نظام بانکی ملزم شود خلق پول و تسهیلات رانه به بخش های سوداگر و غیرمولد، بلکه به صورت مشروط و زمان دار به پیمان های اقتصادی و حلقه های مفقوده زنجیره ارزش تزیق کند.

ایران امروز، اگرچه با چالش هایی متعدد به دلیل تحریم های ظالمانه ی آمریکا و برخی سوء مدیریت های داخلی مواجه است، اما کشوری ایستا یا روبه زوال نیست. ایران در حال عبور از یک گردنه ی سخت تاریخی و گذار از اقتصاد نفتی راننی به یک اقتصاد درون زا و دانش بنیان است. چالش های فعلی با توجه به زیرساخت های عظیم ایجاد شده در حوزه های انرژی، ترانزیت، و نیروی انسانی متخصص، کاملاً قابل جبران است. این فتر فشرده، با تداوم دیپلماسی فعال منطقه ای، اجرای دقیق سیاست های کلی دریا محور و اصلاحات ساختاری داخلی، پتانسیل آزاد شدن و ایجاد رشدهای اقتصادی بالا را دارد. آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری نیاز است، صبر استراتژیک، اجماع ملی و باور به این واقعیت است که راه نجات اقتصاد ایران، نه در انتظار معجزه ی وین یا نیویورک، بلکه در دستان توانمند کارآفرینان، دانشمندان و مدیران داخلی و در پهنه ی ایران زمین نهفته است. پیشرفت ایران، یک واقعیت در حال تکوین است که غبار تحریم و تورم، تنها چهره ی آن را موقتاً پوشانده است، اما توان توقف آن را نخواهد داشت. ■

وژئواکونومیک ایران، ظرفیت دیگری است که هیچ تحریمی قادر به حذف آن نیست. ایران در کانون کریدورهای حیاتی جهان قرار گرفته است و اکنون با تغییر رویکرد سیاست خارجی به سمت چندجانبه گرایی و نگاه به جنوب جهانی، در حال احیای این نقش تاریخی است. عضویت رسمی در پیمان های بزرگ و نوظهور نظیر سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس نشان دهنده درک صحیح تهران از نظم نوین جهانی است. تکمیل قطعات باقی مانده از کریدور شمال - جنوب (که روسیه و اوراسیا را به آب های گرم وصل می کند) و کریدور شرق - غرب (کمر بند و جاده چین)، ایران را به هاب ترانزیت و لجستیک منطقه تبدیل خواهد کرد؛ درآمدی پایدار که می تواند به مرور زمان جایگزین درآمدهای نوسانی نفت شود و امنیت ملی را از طریق گره زدن منافع قدرت های بزرگ به امنیت ایران، ارتقا دهد.

نگاه تاریخی به ما می آموزد که وضعیت فعلی گذراست؛ چرا که ایران صاحب تمدن، جمعیت و دانش بومی است، در حالی که بسیاری از رقیباً صرفاً صاحب سرمایه هستند. با این حال، باید پذیرفت که بالفعل کردن این ظرفیت های بالقوه و تبدیل کردن اقتدار علمی و نظامی به رفاه ملموس اقتصادی و کاهش تورم، نیازمند مجموعه ای از اصلاحات ساختاری و نهادی شجاعانه در داخل کشور است؛ اصلاحاتی در نظام بودجه ریزی، بانکی و مدیریتی. در کنار اصلاحات نهادی، پاشنه آشیل اقتصاد ایران فقدان یک سیاست صنعتی (Industrial Policy)

راه اندازی می کند، به یک قدرت ساختاری دست یافته است که بسیار ارزشمندتر از واردات آن قطعه با دلار نفق است. تاب آوری حیرت انگیز اقتصاد ایران در برابر فشارهایی که می توانست هر کشور توسعه یافته ای را دچار فروپاشی کند، محصول همین چرخش به سمت درون زایی است. سختی های امروز اقتصاد ایران، هزینه استقلال و گذار از خامی به پختگی است؛ هزینه ای برای دستیابی به اقتصادی که دیگر با یک امضای رئیس جمهور آمریکا نلرزد.

نباید تحلیل از وضعیت اقتصادی ایران تنها در حصار تنگ چالش های معیشتی روزمره محبوس بماند. ایران در دل همین فشارهای بی سابقه، در حال تجربه نوعی پوست اندازی تاریخی است و آنچه رهبر انقلاب از آن به عنوان پیشرفت یاد می کنند، ناظر به زیرساخت های حیاتی و ظرفیت های نهفته ای است که آینده کشور را تضمین می کند. گزاره ی کلیدی در این نگاه، تمایز میان رشد بادکنکی و رشد ریشه دار است. آمارهای معتبر بین المللی گواهی می دهند که سرعت رشد علمی ایران در سال های اخیر، چندین برابر میانگین جهانی بوده است. انباشت دانش فی، سرمایه ای زوال ناپذیر است که به محض گشایش های اقتصادی و رفع موانع ارزی، به عنوان پیشران جهش صنعتی عمل خواهد کرد و ایران را از یک صادرکننده مواد خام، به صادرکننده خدمات فی - مهندسی و محصولات با ارزش افزوده بالا تبدیل می کند. فراتر از پیشرفت های تکنولوژیک، موقعیت ژئوپلیتیک

اقتصاد ایران با مشکلاتی نظیر تورم مزمن و رشد اندک مواجه است. یک واکاوی بی طرفانه تاریخی و اقتصادی، ریشه های اصلی این مشکلات را آشکار می سازد. اقتصاد ما در دهه ی اخیر هدف طراحی شده ترین و پیچیده ترین رژیم تحریمی تاریخ بشریت، موسوم به فشار حداکثر از سوی ایالات متحده آمریکا بوده است. هدف این جنگ ترکیبی، فروپاشی اقتصاد و تجزیه اجتماعی ایران بود. بعد از تجربه های متعدد از جمله توافق سعدآباد، تجربه برجام به عنوان یک سند تاریخی غیرقابل انکار، حجت را بر همگان تمام کرد. جمهوری اسلامی ایران با رویکرد تعامل گرایانه، تمامی تعهدات خود را انجام داد و محدودیت های هسته ای را پذیرفت، اما دولت آمریکا با خروج یک جانبه و غیرقانونی از این توافق، نشان داد که مشکل آن هارفتار ایران نیست، بلکه هدف آن ها تضعیف مؤلفه های قدرت ملی ایران است. آمریکا با تحریم فروش نفت و قفل کردن تراکنش های بانکی، عملاً جریان خون اقتصاد ایران را هدف گرفت.

در مقابل، ایران در کوران فشارها و تحریم ها، مجبور به فعال سازی ظرفیت هایی شده که در شرایط رفاه نفتی هرگز به سراغ آن ها نمی رفت. اهمیت اقتصاد درون زا در این است که رشد و توسعه از دل ظرفیت های داخلی، دانش بومی و تجزیه های ارزش ملی می جوشد. وقتی کشوری تحت تحریم قطعات حساس صنعتی قرار می گیرد و به جای تسلیم شدن، خط تولید آن قطعه را در داخل

ﷻ الله اکبر! این صدای ملت ایران است.

خداوند بزرگتر از هیمنه پوشالی مستکبران است. خدایی که اراده کرده است در برابر چشم جهانیان، جبهه حق را بر تمام اشرار و تبهکاران عالم پیروز کند و پوزه ی آنان را

سوره
 زن سوره زنت برانست

فرزند ایران

تاپای جان

ﷻ لیوان های کوچکی پر از آب و غنچه های رز، روی قبر چیده اند. زن شمع ها را از کیفش بیرون می آورد، روشن می کند و می گوید: «(۲۳ سال با هم زندگی کردیم. ۵۳ سال داشت. در ملایر به دنیا آمده بود. هرچه از خوش اخلاقی و مردم داری اش بگویم کم است. روی نماز اول وقت حساس بود؛ هیچ وقت ندیدم حتی یک بار نمازش قضا شود. حس مسئولیت پذیری زیادی نسبت به کشورش داشت. سربلندی و پیروزی ایران را از بزرگ ترین آرزوهایش می دانست. می گفت: خدا نکند روزی جنگ بشود؛ اما اگر بشود، ما اثرشای ها می ایستیم تا پای جان. ۸۰ سال بود که به خنداب منتقل شده بود. برای شغلش ارزش زیادی قائل بود. هر بار که به کربلا می رفت، می گفت: از امام حسین خواسته ام شهادت نصیبم شود؛ دلم می خواهد با شهادت بروم، چون خیلی زیباتر است.» زن قاب عکس مزار را تمیز می کند و می گوید: «(همیشه از بچه ها می خواست درسشان را خوب بخوانند و در دانش پیشرفت کنند. می گفت: اگر کشورمان از نظر علمی رشد کند، می تواند در جهان سربلند باشد.») امیر سرتیپ دوم منصور سلطانی فرد روز ۲۴ خرداد، در حمله به سایت هوایی خنداب به شهادت رسید. اکنون در گلزار شهدای ملایر، میان شمع های روشن، بر نور نشسته است. ﷻ سیده اعظم الشریعه موسوی

قاب

یاد شهدادر اعتکاف

ﷻ اعتکاف مادران و کودکان در مسجد شهدای کشتیرانی در تهران معطر به یاد و خاطره شهدای جنگ ۱۲ روزه بود.



خبرگزاری صاوسپما

رادیونگار

یک توجه ویژه



دکتر احسان یزدیان معاون توسعه شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان و هیئت علمی گروه برق دانشگاه صنعتی اصفهان ﷻ ابتدای دهه ۱۴۰۰، کشور بیش از ۷ هزار شرکت دانش بنیان داشت که در استان های مختلف فعالیت می کردند. تصویب قانون جهش تولید دانش بنیان، توجه ویژه ای به این شرکت ها معطوف کرد تا از نظر اقتصادی تقویت و نقش آفرین در اقتصاد کشور گردند. این تحول را می توان موج چهارم توجه به اقتصاد دانش بنیان دانست. در هریک از مراحل رشد، نقش تعیین کننده رهبری در هدایت مسیر محسوس بوده است. در دوره های مختلف، از توسعه کمی دانشگاه ها تا جهش علمی و رشد شرکت های دانش بنیان، همواره تأکیدات رهبری در جهت دهی به سیاست ها اثرگذار بوده است. به عنوان معاون توسعه فناوری شهرک علمی تحقیقاتی اصفهان، به عنوان اولین پارک علم و فناوری کشور، به وضوح می بینیم که رهبری در شکل گیری این پارک نقش مهمی داشته است. در سال ۱۳۷۹، ایده پارک علم و فناوری اصفهان در نمایشگاهی به رهبر انقلاب ارائه شد و بعد از آن پیگیری های مستمر ایشان در خصوص حمایت از این پروژه، باعث شد که این ایده به واقعیت تبدیل شود.